

اینجا خرمشهر

اینجا ایران



دلایل ادامه جنگ پس از فتح خرمشهر

به مناسبت سالگرد فتح خرمشهر پایگاه اطلاع رسانی رهبر انقلاب (Khamenei.ir) به بازخوانی سخنان حضرت آیت ا... خامنه‌ای (به عنوان رئیس جمهوری و رئیس شورای عالی دفاع در آن زمان) پرداخته است. این بیانات که دلایل ادامه جنگ پس از فتح خرمشهر را بررسی می کند، در گفتگو با خبرنگار صداوسیما در تاریخ ۱۳۶۵/۶/۲۹ ایراد و در سوم خرداد ۹۰ منتشر شده است.



سوال: آقای خامنه ای سؤالی که می شود مطرح کرد مسئله دفاعی بودن جنگ است. ما از ابتدای جنگ و شروع تجاوز عراق اعلام کردیم که در حال دفاع هستیم و بعد از این که وارد خاک عراق هم شدیم این مسئله را عنوان می کنیم که باز جنگ ما یک جنگ دفاعی است. شما این مسئله را چگونه تعبیر می کنید؟

بسم الله الرحمن الرحيم
جنگ ما از آغاز به صورت دفاع شروع شد و تا این ساعت هم ما در حال دفاع هستیم. علت هم این است که حتی ورود ما به خاک عراق، در ادامه دفاع مقدس ماست. البته دشمن طبعاً مایل است که هنگامی که می تواند و احساس قدرت می کند، وارد مرزهای ما بشود، تا هر وقتی که می تواند در آن جا بماند، ویرانگری بکند، تخریب بکند، افراد نظامی و غیرنظامی را به قتل برساند، زندگی را ناامن بکند، هر وقت هم که تاب نیاورد و نتوانست بماند، برگردد و داخل مرزهای خودش بشود و ما هم با فداکاری و با توانایی مردم، وقتی که توانستیم او را از مرزها بیرون برانیم، لب مرز بایستیم که نیاد وارد خاک دشمن بشویم و به حریم دشمن نیاد که قدم بگذاریم، این میل دشمن است.

اما عقل و منطق انسانی، همچنین احکام اسلامی به ما اجازه این را نمی دهند. ما دشمن را باید بینیم که چگونه دشمنی است. یک وقت دشمنی است که آمده برای گرفتن یک تپه، تصرف یک رودخانه، یک موزی گری مرزی، بعد هم سرکوب می شود برمی گردد سرچایش و قضیه تمام می شود. این جا البته بعد از آنی که دشمن



ما را اندیم مسئله تمام شده است. لکن یک وقت دشمن بنای بر قلدری و زورگویی دارد. مسئله او با بیرون رفتن از مرزها، آن هم با قدرت نمایی نیروهای اسلامی و فداکاری های فراوان حل شده و تمام شده نیست. دشمن خیلی این را مغتنم می شمارد که وقتی قصد تجاوز دارد و وارد خاک می شود، تا جایی که می تواند بماند، بعد هم که رفت بیرون، ما لب مرزها بایستیم او تجدید قوای خودش بکند و هنگامی که باز لازم دانست و مصلحت دانست برگردد، تجاوز خودش را آغاز کند.

من یک وقتی یک مثالی زدم، گفتم که دزدی، متجاوزی، وارد خانه شما می شود، وارد مزرعه شما می شود و ویران می کند، نابود می کند، می دزدد، می کشد. اگر تحمل کردید که می ماند، اگر تحمل نکردید و با فشار و زور و قدرت نمایی او را بیرون کردید، هیچ کس به شما نمی گوید که شما از خانه ات دیگر یا بیرون نگذار، پانوی مزرعه او یا خانه او نگذار که این تجاوز به حریم اوست. نه، عقل به شما حکم می کند که بروید گریبان این دشمن را بگیرید، گلوئی او را بفشارید و اولاً: از او بپرسید چرا این کار را کرده و مجازاتش کنید به این کار و ثانیاً: حقتان را بگیرید، آنچه که تسمیع شده از او باز پس بگیرید. این یک حکم عقلی است. این چیزی نیست که این را ما ابداع کرده باشیم. همه انسان ها و همه فطرت های سالم همین جور فکر می کنند.

اصولاً وارد شدن به حریم خاک دیگران دو نوع است: یک نوع این است که از روی تجاوز، به قصد تصرف و برای زورگویی است؛ این تهاجم است، این تجاوز است. همان طور که عراق وارد خاک ما شد. دلیلی برای این کار نداشت. یک بهانه هایی همان اول ذکر کردند، اما حتی خودشان هم کاملاً واقف بودند و می دانستند که این ها بهانه است. دنیا هم این را فهمید. لذا بود که همه کسانی که توی مسئله جنگ وارد شدند، تا امروز هم به ما می گویند، از اوائل هم به ما گفتند که ما می دانیم متجاوز کی است، این تجاوز است. یکجور وارد شدن به خاک دشمن هست که برای استنفاذ حق است، برای گوشمال دادن به متجاوز است، برای حفظ امنیت است. برای تأمین مرزها از حوادث مشابه بعدی از سوی همین دشمن هست، این را نمی شود گفت تجاوز.

بنابراین ما، تا وقتی که در پشت مرزهای خودمان می جنگیدیم که روشن بود داشتیم دفاع می کردیم از خاک خودمان. آن وقتی هم که وارد خاک عراق شدیم، باز به دنباله همین مسئله است. ما مجازات متجاوز و گوشمال دادن به متجاوز را یکی از هدفهای ادامه جنگ ذکر کردیم و همین هم هست. البته این را هم باید بگویم که هنوز در مرزهای ما، همه مناطق از دشمن پاکسازی نشده است. ما هنوز مناطقی را داریم که از جمله نفت شهر و بخشی از مراکز دیگر مرزی ما که هنوز در اختیار دشمن هست و ما ادامه جنگمان ولو برای پس گرفتن این ها هم که باشد، یک عمل دفاعی است. اما وقتی این ها را هم پس بگیریم، ما دنبال کردن دشمن و رفتن داخل اعماق خاک او برای گوشمال دادن او، این را همه، دفاع از خود و مجازات متجاوز می شناسند. بنابراین دفاعی بودن این جنگ یک چیز واضحی است.

البته ما این را گفتیم بارها و همه هم این را قبول کردند از ما که ما قصد ماندن در این مناطق تصرف شده از عراق را نداریم. نه فائو، نه جزیره و نه هیچ نقطه دیگر، نقطای نیست که ما این ها را برای خودمان و جزو خاک خودمان دانسته باشیم. نه اینها مال عراق است، مال مردم عراق است، مال هر رژیم صالحی است که بعدها بر سر کار بیاید در عراق. فعلاً حرکت ما، حرکتی است که در دفاع از امنیت ما و در دفاع از آرامش و صلحی است که برای زندگی دو همسایه که ما و عراق باشیم، ضروری و لازم است.

ویژه نامه **خراسان** به مناسبت سی و یکمین سالروز آزادسازی خرمشهر

یک روز بر مدار عاشورا



یادداشت

غلامرضا بنی اسدی

سوم خرداد، نه یک روز بود که فقط صدرنشین یک روز از تقویم شود و با نسیمی که ورق می خورد به سوی فردا از یادها برود، چنان که خرمشهر، فقط یک شهر نبود، که گروهی آلوده پوتین و دزدانه دست، بدان دست یازند و دگر باره بگیریزند و تمام! نه، هم خرمشهر ماندگار است در کتاب عزت این ملک و هم سوم خرداد، روزی است که با تأسی به عاشورا جاودانه شد و مگر نه این که ما «دفاع مقدس» خود را با «عاشورا» تعریف کردیم و باز مگر نه این که «کل یوم عاشورا و کل ارض کربلا» را باور کردیم تا هر روز بر مدار حسین(ع) بپرخد و مردمان هر عصر و نسل، بهره روزآمد خود و روزی نورانی خویش را از مکتب سیدالشهدا(ع) بگیرند؟ آری چنین است و از همین روست که عاشورا برای مردم هرگز کهنه نمی شود و به هر زبان که می شنوند نامکرر است و این داغ عشق هرگز به سردی نمی گراید و کربلا تا همیشه کانون توجه اهل بیت شفق است و ما خرمشهر خود را به کربلا گره زدیم و زلف سوم خرداد را نیز با عاشورا که ما به فرموده امام خمینی بزرگ (ره) «مثل امام حسین(ع) وارد جنگ شدیم» و درس آموخته از مکتب حضرتش، به انتخاب شهادت رسیدیم و در لحظه شهود نیز، دل و دیده مان به سمت کربلای حسین(ع) بود و لب هامان نجواگر یا حسین(ع)! ما خود را با عاشورا تعریف کردیم لذاست که روضه شهادی ما ذکر یا حسین(ع) است و باور داریم هر گاه روضه سیدالشهدا(ع) خوانده می شود، یاد همه شهادی حقیقت از ابدیت تاریخ تا نهایت ایام تازه می شود. هر گاه سخن از کربلا باشد، همه زمین هایی که به خون پاک شهیدان معطر شده است نیز، حیات دوباره می گیرند و در این میان خرمشهر ما نیز این گونه است؛ زنده به نام مولا سیدالشهدا چنان که قهرمانانش از سید محمدعلی جهان آرا، تا عبدالرضا موسوی، تا بهروز مرادی و تا آن شبه قاسم، بهنام محمدی، تا همه شهیدان بی نامی که «پریشان» خود را با عاشورا تعریف کردند و خرمشهر را به کربلا گره زدند، همه و همه به باور ولایت و شهادت رسیده بودند و این را نیز بزرگ ترین سعادت می دانستند، از این پس نیز، نگاه به سوم خرداد و خرمشهر، این گونه خواهد بود و خدا کند نسل ما و نسل هایی که می آیند نیز بر این باور استوار باشند و هر گاه به این شهر و همه مناطق کربلایی دفاع مقدس پا می گذارند، یادشان بماند، این جا قطعه ای از کربلاست و حرمت باید نگهداشت حریم شهادت را و خدا کند یادمان بماند که چه حق سنگینی بر ذمه ماست و باید که برای ادای دین به شهیدان، شهادت باور باشیم نه این که شکار شهوت و قدرت و ثروت شویم که شهیدان راه را نشان دادند و چراغ راه شدند و رفتند. ما هم باید جان از شیطان سنناتیم تا جهان از شیطان پاک شود و همه چیز بر مدار حسین(ع) بپرخد...